

مسلمانان چین و خط چهارم

سید جلال امام^۱

نگاهی به تاریخ زبان مسلمانان چین

حضور گسترده مسلمانان در چین، به قرن سیزدهم میلادی باز می‌گردد. پس از حمله مغولان، جابجایی‌های گسترده‌ای در منطقه رخ داد که کوچ وسیع مسلمانان منطقه آسیای میانه و ایران به چین، از پیامدهای آن بود. نظامیان سپاه مغول و نیز پیشه‌وران و مبلغان مذهبی، این خیل وسیع را تشکیل می‌دادند. این عده از مسلمانان که در مناطق «شمال غرب»، «جنوب غرب» و منطقه «جنگ یوان» (حوزه تمدنی رود زرد در مرکز چین) ساکن شدند، از آن روز تاکنون، «خویی» نامیده می‌شوند و امروزه بزرگ‌ترین اقلیت قومی مسلمان چین به حساب می‌آیند. (باید توجه داشت که اوغورها، مسلمانان چینی نیستند، بلکه بعد از الحاق سین کیانگ به خاک چین، به عنوان بخشی از مسلمانان چین خوانده می‌شوند).

در عصر دودمان مغولی یوان (۱۳۶۸-۱۲۷۹)، نه تنها به دلیل سیاست آزادی مذهب در نظام حاکم، بلکه به دلیل حضور تعداد زیادی از مسلمانان در رده‌های بالای سیاسی و اجتماعی، وضعیت بسیار مناسبی برای مسلمانان چین فراهم آمد. بنابر اسناد تاریخی، بخش گسترده‌ای از این مسلمانان فارسی زبان بودند و حتی به گفته برخی از تاریخ پژوهان از جمله پروفیسور «لیو یینگ شنگ»^۲ که در این باره تحقیقات زیادی انجام داده است، زبان مسلمانان این دوره فارسی بوده است.^۳ در دوره دودمان «مینگ» (۱۶۴۴-۱۳۶۸)، زبان

۱. دانشجوی دکتری، رشته تاریخ، دانشگاه مرکزی چین.

2. liu ying sheng

۳. لیو یینگ شنگ، «بررسی اجمالی هشتصد سال تاریخ زبان قوم خویی از فارسی به چینی»، نشریه تحقیقات قوم خویی، شماره ۴.

چینی نیز به زبان فارسی و عربی قوم خوبی اضافه شده بود، چرا که آنها برای انجام مراودات اجتماعی، ناچار بودند زبان چینی بیاموزند.

استفاده از زبان فارسی و عربی کم کم به داخل مساجد و مدارس علوم دینی محدود شد. در قرن شانزدهم میلادی، نظام آموزش علوم دینی مسلمانان چین، توسط یکی از عالمان منطقه شمال غرب چین به نام «خو دنگ جو» پایه‌گذاری شد. در این مدرسه کلاس‌های درسی منظم، با مواد درسی به زبان‌های فارسی، عربی و زبان سوم یعنی زبان چینی تنظیم گردید. جوانان مسلمان با شرکت در کلاس‌های درسی علوم دینی، به وسیله سه زبان فارسی، عربی و چینی برای فراگیری آموزه‌های اسلامی تلاش می‌کردند تا فرهنگ اسلامی و میراث پدران خود را حفظ کرده، گسترش دهند. در عصر «چینگ» (۱۹۱۱-۱۶۴۴) در اوایل قرن نوزدهم برخی از بانوان مسلمان نیز به آنها پیوستند و پس از شرکت در کلاس‌های درسی عالمان مسلمان، اقدام به تأسیس مسجدی ویژه بانوان نمودند. این مساجد که در کنار مسجد مردان، اما کاملاً مجزا ساخته می‌شد، دارای اساتید، آخوند و دانش پژوهان بانو بود که تعدادی از آنها اکنون نیز در شهرهای حوزه تمدنی رود زرد، فعال است. بانوان مسلمان در مدارس علوم دینی خود که در مساجد واقع بود، از متون درسی فارسی استفاده می‌کردند. در قرن بیستم به دلایل زیادی که فرصت بحث آن نیست، رفته رفته از جایگاه و رونق زبان فارسی در نظام آموزشی علوم دینی مسلمانان چین کاسته شد.

خط چهارم

گفتیم که مسلمانان چین از قرن شانزدهم، از سه زبان فارسی، عربی و چینی برای فراگیری علوم دینی، ثبت و ضبط یادداشت‌ها و نوشتن متون دینی استفاده می‌کردند. در قرن نوزدهم، بیستم و حتی اکنون، شاهدیم که متن‌های دینی در فرهنگ مسلمانان چین موجود است، اما نه فارسی و عربی و چینی، بلکه ترکیبی از آنها و به «خط چهارم» است؛ یک فارسی زبان تا حدودی می‌تواند آن را بخواند، اما معنایش متوجه نمی‌شود. در عین حال یک چینی زبان نمی‌تواند آن را بخواند، ولی اگر برای او خوانده شود، معنایش را متوجه می‌شود؛ یعنی این خط «به زبان چینی اما با الفبای فارسی و عربی» است. نویسنده این سطور، به نسخه‌های خطی زیادی در خانه‌های مسلمانان چین، مساجد و مدارس سنتی مسلمانان دست یافته که با این خط نوشته شده‌اند. این نسخه‌های خطی معمولاً مربوط به قرن نوزدهم تا نیمه نخست قرن بیستم است. در میان نسخه‌های خطی، یادداشت طلبه‌ها و آخوندها نیز موجود است که به صورت پراکنده متون خود را یادداشت کرده‌اند و روشن است که این افراد به احتمال بسیار زیاد، با زبان چینی آشنایی نداشته‌اند.

علاوه بر اینها، کتاب‌های دینی مسلمانانی در دست است که حاشیه آنها یا همان توضیحاتی که در کناره صفحات نوشته شده‌اند، به خط چهارم است. نیز نسخه‌هایی می‌توان یافت که ترکیبی از متن فارسی و خط چهارم است؛ یعنی نویسنده تا آنجا که قادر به نوشتن فارسی یا عربی بود، متن خود را نوشته و هر کجا با کمبود واژه یا دستور زبان مواجه شده، متن را با زبان چینی، اما با همان الفبای چینی نوشته است. این نکته

نشان می‌دهد که این خط، میان مسلمانان رایج بوده است؛ حتی امروزه میان آخوندهایی که سن و سالی از آنها گذشته، هستند افرادی که با این خط آشنایی دارند. باید تأکید شود که بانوان مسلمان بیشتر با این خط سر و کار دارند. درباره پیدایش این خط، زمان و چگونگی آن، بین صاحب نظران اختلاف است. میان منابع و البته تحقیقات چین در این باره، چند دیدگاه وجود دارد که در زیر می‌توان برشمرد.

برخی معتقدند که این خط پس از ورود مسلمانان به چین در عصر یوان، ابداع شده است، چرا که مسلمانان مهاجر، آشنایی به خط چینی نداشتند و هر آنچه را می‌شنیدند، با الفبای فارسی و عربی می‌نگاشتند.^۱ این احتمال چندان صحیح به نظر نمی‌رسد، چرا که نسخ خطی باقی مانده، مربوط به عصر یوان دست نیست. همچنین مسلمانان در آغاز ورود به چین، به زبان چینی صحبت نمی‌کردند، بلکه همان‌طور که گفته شد، به زبان فارسی یا زبان مادری خود سخن می‌گفتند. آخوندها که بیشتر با متون دینی سر و کار داشتند، با زبان‌های عربی و فارسی آشنا بودند و نیازی به خط دیگری نبود.

دیدگاه دوم اینکه این خط در عصر دودمان مینگ ابداع شده و با گذر زمان، گسترش یافته است. آن زمان که نظام آموزشی علوم دینی چین با نام «جینگ تانگ جیاو یو» پی ریزی شد، دانش‌آموزان علوم اسلامی با حضور در کلاس‌های درسی، آنچه را استاد بیان می‌کرده، با الفبای فارسی یادداشت می‌کردند. باید توجه داشت که زبان چینی به لحاظ نوشتن زبان بسیار سختی است و یادگیری کاراکترهای آن (یا به عبارتی الفبای آن) به زمان زیادی نیاز دارد، در حالی که یادگیری ۳۲ حرف زبان فارسی بسیار ساده است. مسلمانان در دوره «مینگ»، چینی صحبت می‌کردند، اما به نوشتن آن مهارت نداشتند و هر چه را استاد به زبان چینی می‌گفت، با همان الفبای فارسی و عربی ثبت می‌کردند. این قول طرفداران زیادی دارد، اما باید گفت که پس از تشکیل نظام آموزشی علوم اسلامی، عالمان مسلمان سعی کردند کتاب‌های اسلامی را به چینی ترجمه کنند و جزء مواد درسی قرار دهند. پس طلبه‌های مسلمان چینی، کم و بیش با زبان چینی آشنا می‌شدند و می‌توانستند متون را بخوانند و بنویسند نیازی به نوشتن با الفبای فارسی و عربی نبوده است.

سوم اینکه خط چهارم یک «خط رمزی» بوده و توسط یکی از عالمان «طریقت صوفیانه چهریه» ابداع شده است. توضیح آنکه در قرن هجدهم و نوزدهم، شاهد قیام مسلمانان چین به ویژه مریدان طریقت چهریه ضد حکومت «چینگ» هستیم. آنها در این مدت برای حفظ اسرار قیام اقدام به ابداع «خط چهارم» نمودند. خطی که نیروهای حکومتی از خواندن و متوجه شدن آن ناتوان بودند، در حالی که مسلمانان خود می‌توانستند آن را بخوانند و بفهمند. این نظر مستدل و موجه به نظر می‌رسد، اما نویسنده تاکنون به سندی در این راه دست نیافته است و نمی‌توان آن را تأیید کرد.

چهارمین دیدگاه اینکه این خط در اواخر دوره «مینگ» توسط قوم «دنگ شیانگ» (یکی از ده اقلیت قومی مسلمان چین) ابداع شده است. یکی از اساتید علوم دینی از قوم دنگ شیانگ به منظور آموزش علوم

۱. لیو یینگ شنگ، تحقیقی درباره خط مسلمانان قوم خویی شمال غرب چین، از زبان خویی تا شیائو جینگ، نشریه تحقیقات قوم خویی، ن.ن جینگ، شماره ۴۵، ۲۰۰۲، ص ۲.

دینی از حروف الفبای فارسی استفاده نموده تا مطالب چینی خود را بنگارد. این دیدگاه طرفدار زیادی ندارد و ما نیز از آن می‌گذریم.

در این میان، باز نظر پنجم مطرح است که شهرت بیشتری دارد و آن اینکه این خط متولد شده در مسجد بانوان در قرن نوزدهم است. توضیح آنکه در فرهنگ حاکم بر چین، زنان از حضور در کلاس‌های درس و یادگیری محروم بوده‌اند، بانوان مسلمان چینی پس از شرکت در کلاس‌های درسی در مساجد، الفبای فارسی و عربی را می‌آموختند و پس از این به سادگی می‌توانستند هر آنچه را می‌شوند بنویسند. آنها یادداشتهای خود در کلاس‌های درسی را به «خط چهارم» می‌نگاشتند.

اینها مجموع دیدگاه‌هایی است که درباره خط چهارم مطرح است، گرچه دستیابی به اولین شخص ابداع کننده این خط ممکن نیست، اما به نظر می‌رسد که دیدگاه پنجم، صحیح‌تر می‌نماید. توضیح آنکه نه تنها محرومیت بانوان از یادگیری و شرکت در کلاس درس، دلیلی کاملاً موجه برای ابداع خط چهارم است، بلکه حتی اکنون میان مسلمانان چین، این بانوان هستند که بیشتر از این خط استفاده می‌کنند. در همین جا تأکید می‌شود که این خط، اختراع هر شخص و دوره‌ای باشد، بدون شک توسط بانوان مسلمان و در «مسجد بانوان»، به ویژه در منطقه «جنگ یوان» (منطقه حوزه تمدنی رود زرد) گسترش یافته است.

خانم «شویی جینگ جون»^۱ که تحقیقات گسترده‌ای درباره مسجد بانوان انجام داده نیز بر همین نظر است که این خط با محرومیت بانوان از تحصیل در یک جامعه سنتی نظیر چین ارتباط دارد.^۲

این خط هنوز میان مسلمانان مورد استفاده قرار می‌گیرد و همان‌طور که اشاره شد، بانوان مسلمانان به طرز گسترده‌تری با این خط مأنوس و همراه هستند. آن را بیشتر می‌شناسند و از آن بیشتر برای نوشتن استفاده می‌کنند. قرن نوزدهم و نیمه نخست قرن بیستم، اوج بهره‌گیری از این خط بوده و مسلمانان چین در سطح گسترده‌ای از آن استفاده می‌کردند. علاوه بر نسخه‌های خطی که بیشتر آنها متعلق به عصر «چینگ» است، نسخه‌های چاپی (کپی) از کتاب‌های دینی موجود در مسجد بانوان است و مورد استفاده قرار می‌گیرد. مهم‌ترین آنها پنج کتاب درسی آموزش علوم اسلامی است که بیشتر بانوان از آن استفاده کرده و می‌کنند. این کتاب‌ها عمده الاسلام، مهمات الاسلام فوزالنجات، اصول چهارگانه و حقایق نام دارند که به عقاید و فقه اسلامی پرداخته‌اند. از آنجا که در دهه‌های اخیر زبان فارسی از رونق افتاده و کمتر کسی می‌تواند متون این کتاب‌ها را بخواند، ترجمه سطر به سطر به صورت زیرنویس با «خط چهارم» برای آنها نوشته و کسانی که به زبان فارسی آشنایی ندارند، از زیرنویس آن استفاده می‌کنند.

خطی که نگارنده این سطور آن را «خط چهارم» نامیده، در فرهنگ مسلمانان چینی «شیاو جینگ» نامیده می‌شود. درباره معنای دقیق واژه «شیاو جینگ» میان صاحب نظران اختلاف است. برخی آن را به معنای «متن مقدس فرعی» و برخی به معنای «شرح متون مقدس» می‌دانند. دلیل این اختلاف نظر در

1. shui jing jun.

۲. در این باره نک: شویی جینگ جون و ماریا جاسچوک، تاریخ مسجد بانوان مسلمان چین، پکن، انتشارات زندگی، ۲۰۰۲ میلادی.

معنا، به دلیل تفاوت کاراکترهای متفاوت زبان چینی است. در زبان چینی واژه «شیاو جینگ» را می‌توان به چند صورت نوشت و به چند صورت نیز معنا کرد، چرا که در زبان چینی، کاراکتری که «شیاو» خوانده شود، یکی و دو تا نیست و همچنین کاراکتر «جینگ» را نیز می‌توان به چند صورت نوشت، گرچه آنچه مورد اختلاف است، واژه «شیاو» است و درباره کاراکتر «جینگ»، اختلاف چندانی وجود ندارد.

شاید برای کسانی که با زبان چینی آشنایی دارند، جالب باشد بدانند اگر «شیاو» با کاراکتر « \llcorner » نوشته شود، «شیاو جین» به معنای متن کوچک یا متن فرعی است و در مقابل کتاب‌های قرآن و حدیث که متن اصلی دین است، قرار می‌گیرد. نیز برخی به صورت « \llcorner » می‌نویسند که در این صورت به معنای خطی است که توسط آن متون مقدس ترجمه شده و هضم می‌گردند. به هر روی، به نظر می‌رسد که طریقه نوشتن «شیاو جینگ» با کاراکترهای چینی به صورت « \llcorner » صحیح است.

نتیجه و نظر

خط چهارم و نسخ خطی باقی مانده، می‌تواند آگاهی‌های تازه از فرهنگ مسلمانان چین به ما ارائه دهد. پر واضح است که در اثر ترجمه متون و آموزه‌هایی که از زبان اصلی به زبانی دیگر ترجمه می‌شوند، پدیده‌های جدیدی متولد می‌شوند. خط چهارم، گرچه خود یک پدیده است، به نظر نویسنده نیاز به تحقیقات بیشتری دارد تا زیبایی‌های آن آشکار گردد و این برای زبان‌شناسان کاملاً قابل درک است. آنچه مهم است، اینکه مسلمانان برای حفظ و گسترش اندیشه اسلامی خود، به هر کاری متوسل شده و از هر زبانی کمک گرفته‌اند. مسلمانانی که به دلیل بیگانگی زبانشان با زبان اصلی دین، این راه‌های سخت را پیموده‌اند. نکته پایانی اینکه نگارنده معتقد است درباره این خط باید به «انگیزه» پدید آورنده آن نیز توجه کرد. با تحقیق درباره فرهنگ مسلمانان چینی، می‌توان دریافت که به احتمال زیاد، انگیزه کسانی که خط چهارم را ابداع کرده‌اند، این است که آنها نخواستند «متن مقدس» را با خط و زبان «غیر مقدس» بنگارند. همان‌طور که گفته شد، برخی از یادداشته‌ها که تعدادی از آنها مربوط به یک قرن پیش هستند، نویسنده در خلال متن دینی هر کجا که با کمبود زبان فارسی یا عربی مواجه شده، متن را به زبان چینی، اما با الفبای فارسی نوشته است. قرینه‌های دیگری می‌توان برای این امر یافت. مثلاً بر سر در مساجد چین در جای جای مختلف می‌توان دید که نام مسجد با خط چینی، اما از راست به چپ نوشته شده‌اند؛ البته خط چینی از هر طرفی قابل نوشتن است و در زمان‌های گذشته، چینی‌ها خود نیز برخی متون را از راست به چپ می‌نوشتند، اما در میان متون اسلامی، بیشتر می‌توان یافت. مسلمانان به داشتن فرهنگ اسلامی و تأکید بر تمایز آن با فرهنگ غیر اسلامی، اهمیت زیادی قائلند و می‌توانند در شکل‌گیری این خط نیز سهم مهمی داشته باشند.

